تولی و تبری

تولی به معنای پذیرش ولایت اولیای الهی با قلب و پیروی از آنها در عمل و نیزدوست داشتن اولیای الهی و دوست داشتن دوستداران آنها است و تبری به معنای بیزاری جستن قلبی و درونی از دشمان خدا و اولیای او و کناره گرفتن از رفتار و مشی آنها در عمل است . انسان مومن باید دارای جاذبه و دافعه باشد و حد و مرزی داشته باشد که جایگاه او را نسبت به اهل ایمان و اهل نفاق و کفر و شرک مشخص سازد . او باید نسبت به مومنان و غیر مومنانی که عنادی با حق ندارند و نسبت به آن جاهلند دارای جاذبه و نسبت به غیر آنها دارای دافعه باشد . فلسفه تولی و تبری مشخص کردن موضع و جهت خود در رابطه با مومنان و غیر مومنان و اعلام موضع در این صف بندی است . تولی و تبری به معنای بی تفاوت نبودن در برابر حق و باطل و یکسان نبودن این دو برای انسان با ایمان و هدفمند و زنده و پویا است . نمی توان مومن و خدا باور بود و به اصول الهی و دینی پیبند بود ولی دارای موضع و جهت نبود و وضعیت و جایگاه اعتقادی خود را به دیگران اعلام نکرد و با همه انسان ها در رفتار و مشی و سلوک برخوردی یکسان و مشابه داشت . فلسفه دیگر تولی و تبری تصحیح جهت اعتقاد و رفتار خود با ملاک های حق در گذر زمان و پرهیز از انحراف از جاده حق و حقیقت است . انسان مومن و خدا جو با تولی و تبری خود را همواره در وسط راه حق و صراط مستقیم نگه داشته و اا‌ز فرو افتادن به گرداب کجی ها و انحرافات مصمون می سازد . تولی و.تبری یاد آوری جایگاه اعتقادی و باور و مسئولیت ها ی انسان مومن و نشانه ایمان پا بر جا و عمیق و ریشه دار او است .

تولی به معنای دوست داشتن و تبری به معنای بیزای جستن و تنفر است. که این دو از فروع دینی اسلام به شمار می روند. و هر مسلمانی باید با اهل حق دوستی کند و از اهل باطل بیزاری بجوید. که اوج این دوستی ها در اهل بیت (علیهم السلام) است و اوج بیزاری جستن، از سران شرک و کفر می باشد.

درباره تولی می توان به این آیات استناد کرد:

«لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى[شوری/۲۳] من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیتم].»

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ[حجرات/۱۱] مؤمنان برادر یکدیگرند.»

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقینَ[توبه/۱۱۹] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید!»

«وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ[توبه/۷۱] مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند.»

و درباره تبری آیات فراوانی وجود دارد که به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

«لا یَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکافِرینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ فَلَیْسَ مِنَ اللَّهِ فی شَیْءٍ ...[آل عمران/۲۸] افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد.»

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصاری أَوْلِیاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ[مائده/۵۱] ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولّی (و دوست و تکیه‌گاه خود،) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند.»

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا آباءَکُمْ وَ إِخْوانَکُمْ أَوْلِیاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْکُفْرَ عَلَی الْإیمانِ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ[توبه/۲۳] ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولیّ (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولیّ خود قرار دهند، ستمگرند!»

«لا تَجِدُ قَوْماً یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ یُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ کانُوا آباءَهُمْ أَوْ أَبْناءَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشیرَتَهُمْ[مجادله/۲۲] هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند.»

«قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فی إِبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْکُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ کَفَرْنا بِکُمْ وَ بَدا بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً[ممتحنه/۴] برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و

کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است»

درباره چیستی و چرایی این دو نیز باید گفت که: از نظر منطقی این دو باید وجود داشته باشند. انسانی که نسبت به مساله ای عشق می ورزد با هم سنخان خود در محبوب دوستی می کند و از سویی باید با عوامل آسیب رسان به عشق و علاقه خود، دشمنی کند. از همین روست که عشق و محبت انسان، برای او مرز و خط قرمز می آفریند.

اگر باید با اولیای الهی دوستی کرد، با دشمنان خدا هم باید دشمنی کرد. و اگر «دشمنی» با دشمنان خدا نباشد، به تدریج رفته رفته، همان دشمنی ها عادی و طبیعی جلوه می کند و شخص خود در صف دشمنان اولیاء الهی در می آید. در واقع تبری جستن به مانند سیستم دفاعی بدن است که مانع رشد میکروب ها می شود. علاوه بر اینکه می تواند معیار و محکی جدی برای مدعیان باشد که در ادعای دوستی و عشق خود، چقدر جدی و صادق هستند.

دقت در احادیث نیز می تواند اهمیت بسیار والای تولی و تبری را نشان دهد که در اینجا به چند مورد اشاره می کنیم:

پیغمبر صلی اللّه علیه و آله روزی پرسشی را در بین اصحابش مطرح کرد و آن این بود: در میان دستگیره های ایمان کدامیک از همه محکمتر است؟ گفتند: خدا و پیغمبرش بهتر می‌دانند، آنگاه یکی از ایشان گفت: نماز، و دیگری گفت: زکات، شخصی گفت: روزه، و یکی دیگر از ایشان گفت: حج و عمره، و دیگری گفت: جهاد، آنگاه پیغمبر خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: همه اینها که نام بردید، کارهای با فضیلتی است، ولی

پاسخ سؤال من نیست، (بلکه) قوی ترین دستگیره ایمان، دوست داشتن برای خدا و دشمن داشتن برای خداست، و دوست داشتن اولیاء خدا، و بیزاری جستن از دشمنان خدا، می باشد.[۱]

همچنین امام رضا (ع) می فرمایند: کمال دین ولایت ما و برائت از دشمنان ماست.[۲]

اما نکته ای که باید به آن توجه کنیم این است که تبری جستن از دشمنان الهی، به این معنا نیست که با تمام مخالفان فکر و اندیشه خود بجنگیم. خدای متعال در قرآن صریحا این مساله را بیان کرده است:

«لا يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذينَ لَمْ يُقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطينَ * إِنَّما يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَ ظاهَرُوا عَلى إِخْراجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ[ممتحنه/۸-۹] خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است!»